پارادوکس پایان دورکاری با تداوم تعطیلی مدارس و مهدهای کودک

برخلاف سیاست‌های جمعیتی، سناریوی سرگردانی مادران شاغل با الزام به حضور صددرصدی کارکنان ادارات و دستگاه‌ها از امروز تکرار می‌شود

گزارش
زهرا چیذری

در شرایطی که طبق اعلام وزارت آموزش و پرورش تا اطلاع ثانوی مدارس کشور به صورت آموزش مجازی فعالیت می‌کنند، استاندار تهران اعلام کرد از امروز تمامی ادارات دولتی با حضور صددرصد کارکنان به فعالیت‌های خودشان می‌پردازند. الزام به حضور صددرصد کارکنان ادارات و دستگاه‌ها آن هم در شرایطی که مدارس تعطیل و به صورت غیرحضوری و مهدهای کودک هم تعطیل است، می‌تواند مادران شاغل را با چالش‌های جدی مواجه کند و به نوعی مخالف و در تضاد با قانون جوانی جمعیت است.

با حمله دشمن امریکایی- صهیونیستی و کشورمان و شکل‌گیری جنگ تحمیلی سوم از نهم اسفند ماه سال گذشته، بسیاری از ادارات و دستگاه‌ها به استفاده از ظرفیت دورکاری برای پیشبرد مأموریت خود روی آوردند و الزام به حضور در ادارات به ۵۰ درصد و در مواردی بیشتر محدود شد.

ضرورت دورکاری با تعطیلی مدارس

در این میان طبیعتاً اولویت دورکاری برای بانوان به خصوص بانوان دارای فرزند کوچک یا کارکنان دارای بیماری و برخی معذوریت‌ها بود.

این مسئله به خصوص با عنایت به اینکه با توجه به شرایط جنگی مدارس هم تعطیل شده و ادامه آموزش به صورت آنلاین و بر بستر نرم‌افزار شاد شکل گرفت، اقدامی لازم و ضروری بود، چراکه وقتی آموزش فیزیکی تعطیل باشد بچه‌ها ناگزیرند در خانه بمانند و در چنین شرایطی لااقل حضور یکی از والدین ضروری است. حالا اما با وجود آنکه در فرایند آموزش تغییر ایجاد نشده و طبق آخرین اعلام وزارت آموزش و پرورش مدارس همچنان به صورت آنلاین و غیرحضوری فعالیت‌های آموزشی خود می‌پردازند، اما طبق اعلام استانداری تهران حضور صددرصدی کارکنان دستگاه‌ها از امروز الزامی است.

در چنین شرایطی مادران شاغل یا باید مرخصی بگیرند و برای نگهداری از فرزند در خانه بمانند یا فرزندانشان را هم همراه خود به محل کار بیاورند، ناگفته پیداست، هیچ‌یک از این راه‌حل‌ها لااقل برای طولانی‌مدت قابل اجرا نیست و نهایتاً یک مادر شاغل بتواند چند روز مرخصی بگیرد یا چند روز در زیر سایه نگاه‌های سنگین همکاران و عدم تناسب محیط کار با وضعیت و روحیات کودک، فرزندش را به همراه خود به محیط کار به محل کار ببرد!

حضور صددرصدی کارکنان بی‌توجه به آنلاین شدن آموزش

به گفته محمدصادق معتمدیان استاندار تهران، با اشاره به ضرورت استمرار ارائه خدمات پایدار و بی‌وقفه به مردم شریف استان تهران، پیرو بخشنامه مورخ ۱۴ اسفندماه ۱۴۰۴ توسط سازمان امور اداری و استخدامی کشور و برابر هماهنگی‌های انجام‌شده با معاون محترم رئیس‌جمهور و رئیس سازمان امور اداری و استخدامی کشور، فعالیت کلیه وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و دستگاه‌های اجرایی مستقر در استان تهران از روز شنبه ۱۹ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۵ تا اطلاع ثانوی با حضور همه کارکنان، به‌صورت صددرصدی، انجام خواهد شد.

طبق توضیحات استاندار تهران فعالیت آموزشی مدارس و دانشگاه‌ها مطابق اعلام وزارتخانه‌های آموزش و پرورش و علوم، تحقیقات و فناوری خواهد بود.

اما وقتی به سراغ آخرین اخبار و اظهارنظرها در رابطه با وضعیت تشکیل کلاس‌های درس و حضور دانش‌آموزان در مدارس می‌رویم، متوجه خواهیم شد طبق اعلام وزارت آموزش و پرورش مدارس تا اطلاع ثانوی به صورت غیرحضوری و آنلاین برپا خواهد بود.

همچنین طبق اعلام رئیس سازمان ملی تعلیم و تربیت کودک فعالیت کودکستان‌ها تا اطلاع ثانوی ممنوع است.

ممنوعیت فعالیت مهدهای کودک و همچنین تعطیلی مدارس و آنلاین شدن فرایند آموزش به معنای آن است که این روزها و در شرایط آتش‌بس بچه‌ها باید در خانه بمانند، اما والدین طبق روال عادی باید به محل کارشان بازگردند! این شرایط پارادوکسی را ایجاد می‌کند که در عمل می‌تواند زندگی مادران شاغل را تحت‌تأثیر قرار دهد.

چیزی شبیه تعطیلات مدارس در آلودگی هوا

مشابه این ماجرا را در گذشته نیز شاهد بوده‌ایم. وقتی تعطیلی مدارس و مهدهای کودک به خاطر آلودگی هوا اتفاق می‌افتاد و والدین شاغل مجبور بودند یا دست به دامن خانواده و دوست و آشنا و همسایه شوند تا برای ساعاتی که در خانه نیستند، فرزندشان را به آنها بسپارند یا بچه‌ها را با خودشان به سر کار ببرند یا خودشان مرخصی بگیرند و در خانه بمانند! راه‌حل‌های موقتی که در نهایت نه فقط به کاهش تردد و بهبود وضعیت آلودگی هوا منتهی نمی‌شد، بلکه چالش تازه‌ای را بر چالش‌های خانواده‌ها می‌افزود.

این ماجرا در بطن خود، درس عبرتی می‌شد برای زوج‌هایی که فرزند ندارند تا احساس کنند مدیریت جامعه هیچ گونه امتیازی برای فرزندآوری قائل نمی‌شود؛ حتی به اندازه مدیریت در هنگام آلودگی هوایی یا شرایط بحرانی و اضطراری در فضای جنگ و آتش‌بس.

قانون دورکاری مادران دارای فرزند زیر شش سال، با هدف حمایت از بانوان شاغل دارای فرزند خردسال تصویب شده‌است. طبق این قانون، مادران می‌توانند به صورت دورکار فعالیت کنند تا امکان مراقبت بهتر از فرزندان خود را داشته‌باشند. این تسهیلات به ویژه برای مادرانی که امکان استفاده از مهدکودک ندارند، بسیار مفید خواهدبود.

حالا هم با عنایت به اینکه هنوز هیچ‌گونه دستورالعملی برای حضوری‌شدن مدارس ابلاغ نشده و مدارس همچنان به صورت آنلاین ابربستر نرم‌افزار شاد اداره می‌شود و مهدهای کودک هم همچنان تعطیل هستند، ضرورت استفاده از مزیت دورکاری به خصوص برای مادران شاغل بیش از همیشه احساس می‌شود.

مگر آنکه وزارت آموزش و پرورش و سازمان تعلیم و تربیت هم تصمیم تازه‌ای درباره برگزاری حضوری کلاس‌های درس و بازگشایی مدارس داشته باشد و همزمان با حضوری شدن ادارات و پایان دورکاری‌ها، مدارس حضوری شده و مهدهای کودک هم بازگشایی شود.

البته با عنایت به شرایط نه جنگ و نه‌صلح و با عنایت به اتفاقاتی که پس از حمله دشمن امریکایی- صهیونیستی به کشورمان رخ داد و حمله و مورد اصابت قراردادن مدرسه شجره طیبه میناب و شهادت ۱۶۸ دانش‌آموز معلم شاید تصمیم بر بازگشایی مدارس و مهدهای کودک ریسک بالایی داشته‌باشد! در حالی که ادامه دورکاری‌ها به خصوص با اولویت مادران شاغل می‌تواند در شرایط کنونی بهترین راهکار به شمار آید به گونه‌ای که هم کارها بر بستر شبکه‌های آنلاین انجام شده و روند اداری آن پیش می‌رود و هم مادران با حضور در خانه می‌توانند مراقبت‌های لازم را از فرزندانشان داشته‌باشند. بدون آنکه بخواهند دست به دامان دوست و آشنا و همسایه و فامیل شوند یا مجبور باشند از محل کارشان مرخصی بگیرند یا فرزندشان را با خود به محل کار ببرند. این مسیر یکی از راهکارهایی است که در حمایت از جوانی جمعیت هم تأثیر مثبت قابل‌ملاحظه‌ای خواهد داشت.

محیط‌زیست

نفس تازه به طبیعت با گرانی پلاستیک

مهسا گربندی

طبیعت با افزایش قیمت پلاستیک، نفس راحتی می‌کشد. کیسه‌ها و ظروف یکبار مصرف، که روزی به جزئی از خرید روزانه و البته بی‌رویه، تبدیل شده بودند، حالا هم گران‌تر شدند و هم در برخی نقاط، دسترسی به آنها محدود شده‌است. این تغییر ناگهانی، رفتار مصرف‌کنندگان را تحت تأثیر قرار داده و باعث شده، بسیاری به صرفه‌جویی و استفاده هوشمندانه‌تر از پلاستیک روی بیاورند. نتیجه آن، کاهش فشار مستقیم بر محیط‌زیست و همچنین فرصتی برای بازنگری در عادت‌های روزمره شده‌است، فرصتی که پیش از این شاید، در سخنرانی‌ها و شعارها وجود داشت، اما اکنون به شکلی کاملاً ملموس، خود را نشان می‌دهد.

گرانی پلاستیک و کاهش مصرف آن

بررسی‌های میدانی از نانوایی‌ها و فروشگاه‌های عرضه محصولات پلاستیکی در سطح شهر نشان می‌دهد تغییراتی تدریجی اما ملموس در بازار رخ داده‌است، تغییراتی که قیمت‌ها و نحوه عرضه را تحت‌تأثیر قرار داده و به طور مستقیم بر سبد مصرف روزانه شهروندان اثر گذاشته است. در برخی نانوایی‌ها، قیمت کیسه‌های پلاستیکی به شکل قابل توجهی افزایش یافته‌است. تا پیش از این کیسه‌ها حدود ۲ هزار تومان فروخته می‌شدند، اما اکنون در بعضی واحدها به دانه‌ای ۸ هزار تومان رسیده‌اند. همزمان، محدودیت‌هایی در استفاده از کیسه نیز مشاهده می‌شود، مشتریان گاهی ملزم هستند که خود کیسه بیاورند یا تعداد کمتری دریافت کنند. وضعیت مشابهی در فروشگاه‌های عرضه ظروف یک‌بار مصرف به چشم می‌خورد. قیمت برخی از این ظروف، که پیش‌تر حدود ۱۰ هزار تومان بود، اکنون به حدود ۱۵ تا ۲۰ هزار تومان رسیده و در برخی فروشگاه‌ها، سقف خرید برای هر مشتری تعیین شده‌است. این تغییرات با نوسانات ایجادشده در زنجیره تأمین مواد اولیه صنایع پتروشیمی مرتبط است، صنایعی که بخش عمده تولید محصولات پلاستیکی را بر عهده دارند.

تبدیل تهدید به فرصت

کمتر کسی است که آثار مخرب ورود پلاستیک به طبیعت را نداند. محمد الموتی، دبیر شبکه تشکل‌های محیط‌زیست و منابع طبیعی، با اشاره به آثار ورود پلاستیک به طبیعت گفت: «هر چقدر ورود پلاستیک به طبیعت کمتر باشد، به‌طور قطع به نفع چرخه حذف آلاینده‌هاست. اگرچه تلاش‌هایی در جهت برخورداری از چرخه‌های زیست‌پذیر یا تجزیه‌پذیر انجام شده، اما به دلیل ناآماده بودن زیرساخت‌ها و هزینه‌های بالای تولید این نوع محصولات، ما همچنان به محصولات پلاستیکی وابستگی شدیدی داریم.»

او با اشاره به شرایط بازار جهانی افزود: «با توجه به اتفاق رخ داده طی دو ماه گذشته نه‌تنها در ایران بلکه در کل دنیا قیمت مواد اولیه ۴۰ تا ۴۵ درصد به دلیل کمبود در حمل و نقل دریایی افزایش پیدا کرده و منجر به کاهش تولید و افزایش شدید هزینه‌ها و قیمت‌ها شده‌است. به همین دلیل طی یک ماه گذشته ۳۰۰ تا ۴۰۰ درصد قیمت مواد پلاستیکی بیشتر شده‌است. البته از دلایل دیگر افزایش قیمت، آسیب‌دیدگی کارخانه‌های پتروشیمی و مسائل روانی بازار است.»

الموتی درباره پیامدهای این افزایش قیمت گفت که ممکن است در کوتاه مدت منجر به کاهش مصرف پلاستیک شود، گفت: «از فرصت کوتاه به وجود آمده برای اجرای برنامه‌های فرهنگی و فرهنگ‌سازی در جهت کاهش استفاده از پلاستیک به‌ویژه کیسه‌های پلاستیکی و معرفی جایگزین‌های آن باید استفاده کنیم. علاوه بر آن از دولت مطالبه‌گری کنیم تا در روند نوسازی و بازسازی کشور به سمت تأمین زیرساخت‌هایی جهت تولید مواد تجزیه‌پذیر و سازگار با طبیعت حرکت کند. در غیر این صورت به چرخه قبلی برمی‌گردیم و مردم همچنان از پلاستیک با قیمت بالاتر استفاده می‌کنند.»

هم مردم نقش دارند و هم دولت

الموتی به نقش همزمان مردم و دولت در این زمینه اشاره کرد: «هم تشکل‌های مردم‌نهاد و هم رسانه‌ها باید در زمینه فرهنگ‌سازی برای کاهش مصرف کیسه‌های پلاستیکی دست به دست هم دهند. علاوه بر آن حرکت دوجانبه‌ای شکل بگیرد؛ یعنی هم مردم جایگزین‌هایی برای محصولات پلاستیکی پیدا کنند و کاهش استفاده از پلاستیک به عادت تبدیل شود، هم دولت در بازسازی صنایع پتروشیمی و نوسازی صنایع، استفاده از مواد جایگزین پلاستیک را که تجزیه‌پذیر است و به طبیعت آسیب نمی‌زند، در دستور کار خود قرار دهد.»

او با اشاره به فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد ادامه داد: «سازمان‌های مردم‌نهاد کمپین‌ها و پویش‌های متعددی در این زمینه برگزار کرده‌اند که بعضی از آنها مانند پویش «نه به پلاستیک و کیسه پلاستیکی» تقریباً برای بیشتر مردم شناخته شده و اثرگذار بوده‌است. به‌طور قطع سازمان‌های مردم‌نهاد باید پویش‌های خود در زمینه کاهش مصرف پلاستیک را متنوع‌تر کنند و مدل‌هایی را با کمک کارشناسانی که از اعضای آنها هستند و با همراهی دانشگاه‌ها به دولت پیشنهاد دهند.»

به گزارش «جوان»، گرانی پلاستیک، هر چند ناخواسته بود، اما فرصتی برای بازنگری در عادت‌های روزمره ایجاد کرد. حالا بدون برنامه‌ریزی قبلی، مصرف پلاستیک هوشمندانه‌تر از قبل انجام می‌شود، همان چیزی که کارشناسان محیط‌زیست، بارها و بارها به ما گوشزد می‌کردند، اما این تغییر، تازه اول راه است و بدون شک باید ادامه پیدا کند، ادامه‌ای که هم سلامت ما و هم آینده نسل‌های بعد را تضمین می‌کند، چراکه تنها با استمرار این قدم‌های کوچک و درست است که می‌توان اثرات بزرگ و پایدار بر محیط‌زیست ایجاد کرد.

گام‌هایی کوچک برای اهدافی بزرگ

کبری فرشچی

برای انجام خریدهای روزمره به میدان میوه و تره‌بار رفته‌ام و همچون همیشه با برداشتن کیسه پلاستیکی سراغ میوه‌ها و سبزیجات مورد نظرم می‌روم و با سبک و سنگین کردن آنها میوه‌ها و سبزیجاتی را که به نظرم کیفیت بهتری دارند، سوا می‌کنم؛ سیب، پرتقال، خیار، کلم و کاهو.

رضا دهشیری | جوان

به حجم خریدم که نگاه می‌کنم می‌بینم آنقدر زیاد نیست که برای هر کدام یک کیسه پلاستیک جداگانه نیاز باشد! به خاطر می‌آورم که سال‌های سال است معضل کیسه‌های پلاستیکی گریبان محیط‌زیست را گرفته و عدم تجزیه‌پذیری این محصول تکنولوژی و فناوری موجب‌شده تا پلاستیک به یکی از بدترین نوع آلودگی‌های زیست‌محیطی تبدیل شود.

حالا هم که در جنگ رمضان و با هدف قرار گرفتن بخشی از صنایع پتروشیمی کشورمان از سوی دشمن امریکایی- صهیونیستی کیسه‌های پلاستیکی و دیگر تولیدات این صنایع با چالش مواجه شده‌اند و اگرچه به واسطه مدیریت صادرات با کمبودی در این زمینه مواجه نیستیم، اما نمی‌توان رشد قیمت این کالاها را انکار کرد.

دوباره به کیسه‌های خریدی که در دست دارم نگاه می‌کنم. هر یک کیسه پلاستیکی کمتر می‌تواند هم به محیط‌زیست کمک کند و هم در شرایطی که با آن مواجه شده‌ایم می‌تواند مصداق تمام عیاری از انجام مسئولیت اجتماعی و کمک به مدیریت اقتصادی کشورمان باشد. بنابراین کیسه‌ای را که برای کلم و کاهو برداشته‌ام سر جایش می‌گذارم و کلم و کاهو را در دست می‌گیرم تا بعد از حساب کردن صندوقدار آنها را در کیسه‌های دیگر خریدهایم جای بدهم.

در مسیر خانه دوباره به خریدهایم نگاهی می‌اندازم و بابت اینکه در مصرف سه کیسه پلاستیکی صرفه‌جویی کرده‌ام خوشحالم!

احساس می‌کنم بخشی از مسئولیت اجتماعی‌ام را در شرایط کنونی جامعه انجام داده‌ام.

با وجود این، فکر می‌کنم اگر به جای همین کیسه‌هایی که حالا در دست دارم از کیسه خرید پارچه‌ای استفاده می‌کردم چقدر بیشتر به محیط‌زیست و به شرایط کنونی کشورم کمک کرده‌بودم.

ماجرای مسئولیت اجتماعی، میهن‌دوستی و جان‌فدایی خیلی وقت‌ها همین قدر ساده است.

وقتی از مسئولیت اجتماعی و وظایفی که هر یک از ما در برابر کشور، جامعه، محیط‌زیست و حتی جامعه جهانی داریم صحبت می‌شود، ممکن است این مسئولیت اجتماعی برای بسیاری از ما به مثابه حرکت‌های بزرگ و هزینه‌های کلان تعبیر شود. در حالی که تعابیری همچون مسئولیت اجتماعی وطن‌پرستی و در تعبیر جدیدتر جان‌فدایی برای میهن، خیلی وقت‌ها از رهگذر همین رفتارهای ساده و اصلاح سبک زندگی در همین زندگی روزمره می‌تواند اتفاق بیفتد.

استفاده از ساک‌های خرید پارچه‌ای به جای کیسه‌های پلاستیکی، همراه داشتن لیوان‌های شخصی در مراسم‌ها و تجمعات شبانه به جای استفاده از لیوان‌ها و ظروف یکبار مصرف، خاموش کردن حتی یک لامپ اضافه، برنامه‌ریزی برای استفاده از نور خورشید در ساعات روشن روز به جای استفاده از لامپ و نورهای مصنوعی، استفاده از پنکه یا کولرهای آبی به جای کولرهای گازی، عایق‌کاری‌های ساده برای ممانعت از اتلاف انرژی، استفاده از آب باقیمانده از شست‌وشوی میوه و سبزیجات برای آبیاری باغچه‌ها و گلدان‌ها و کارهای بسیار ساده‌ای از این دست، هر چند حرکت‌های کوچک، اما بسیار مؤثرند.

همیشه باید به خاطر داشته باشیم بلندترین مسیرها هم با برداشتن گام‌های کوچک طی می‌شود و یادمان نرود در شرایط کنونی همان قدر که حضور در کف خیابان و نمایش اقتدار مردمی در نظام جمهوری اسلامی ایران مهم و اثرگذار است، برای عبور از بحران فشارهای اقتصادی برنامه‌ریزی شده و تحریم‌های فلج‌کننده دشمن برای به زانو درآوردن ایران و ایرانی، گام برداشتن هر کدام از ما در مسیر مدیریت بهینه مصرف و صرفه‌جویی در مصرف انرژی و سایر اقلام مصرفی بسیار مهم و تأثیرگذار است.

بر این اساس همانگونه که بیش از دو ماه است که مسئولانه در کف خیابان‌ها حضور می‌یابیم و از استکبار جهانی و سیاست‌هایش ابراز انزجار می‌کنیم برای میهنمان برای محیط‌زیست‌مان و برای عبور از این گذرگاه سخت نیازمند آنیم که مصرفمان را به خوبی مدیریت کنیم.

در سلک آفتاب

ستون شنبه‌ها

مهدی مولایی

بدعتی به نام اینترنت پرو!

در شرایطی که واژه «امنیت ملی» به یکی از پرتکرارترین کلیدواژه‌های ادبیات رسمی کشور بدل شده، هر تصمیمی که به نام آن گرفته می‌شود، باید بیش از هر زمان دیگری حساب‌شده، منطقی و عاری از تناقض باشد. محدودسازی اینترنت، هر چند تصمیمی پرهزینه و محل بحث باشد، دست‌کم در چارچوب فهم حفظ امنیت قابل تحلیل است، اما آنچه امروز با عنوان «اینترنت پرو» مطرح شده، نه‌تنها این چارچوب را مخدوش می‌کند، بلکه پرسش‌های جدی‌تری را درباره ماهیت این سیاست‌ها به میان می‌آورد. با گذشت دو ماه از اعمال محدودیت در دسترسی به اینترنت بین‌الملل در کشور، حالا سهمیه دسترسی به اینترنت آزاد موسوم به پرو، با مکاتباتی از سوی اپراتورها به نهادها و ادارات مختلف واصل می‌شود که شرایط دسترسی به اینترنت را برای کارکنان آنان تسهیل می‌کند. موضوع حتی فراتر از دسترسی کارکنان نهادها رفته و تعدادی از افرادی که کوچک‌ترین تعلقی به دستگاه فکری انقلاب نداشته و حتی از تبلیغ‌کنندگان علیه مبانی نظامند، با پرداخت هزینه از این امتیاز برخوردار شده‌اند.

اگر مبنا، تهدیدات امنیتی است، این تهدیدات ماهیتی طبقاتی ندارند. تهدید، تهدید است؛ چه برای کاربری که توان پرداخت بسته‌های گران‌قیمت را دارد و چه برای کسی که ندارد. چگونه می‌توان پذیرفت همان اینترنتی که برای عموم مردم «خطرآفرین» تلقی می‌شود، برای گروهی خاص با پرداخت هزینه‌ای بیشتر، ناگهان «بی‌خطر» یا دست‌کم «قابل اغماض» می‌شود؟ این دوگانگی، بیش از آنکه نشانه یک سیاست امنیتی دقیق باشد، به نوعی عقب‌نشینی در برابر منطق بازار شباهت دارد؛ بازاری که در آن حتی محدودیت نیز قابل خرید و فروش است.

از سوی دیگر، چنین طرحی عملاً به رسمیت شناختن نوعی تبعیض ساختاری در دسترسی به اطلاعات است. اینترنت در جهان امروز، صرفاً یک ابزار سرگرمی یا ارتباطی نیست، بلکه بستر آموزش، کار، آگاهی و حتی مشارکت اجتماعی است. ایجاد شکاف میان «دارندگان اینترنت پرو» و «محرومان از آن»، فراتر از یک تفاوت خدماتی، ترسیم مرزی تازه در جامعه است که بر پایه توان اقتصادی شهروندان شکل می‌گیرد. در چنین شرایطی، عدالت ارتباطی که باید یکی از اصول بنیادین سیاست‌گذاری باشد، به‌سادگی قربانی طرح‌های خام و ناقص‌الخلقه آقایان می‌شود. حالا این نگرانی وجود دارد که ارائه طرح طبقاتی اینترنت پرو، فتح باب و بدعتی شود که امکان ایجاد محدودیت در بقیه حقوق اساسی ملت و سپس فروش آن را فراهم کند. افزون بر این، تجربه نشان داده‌است که هرگاه دسترسی به منابع حیاتی به شکل طبقاتی تنظیم شود، اعتماد عمومی مردم آسیب می‌بیند. شهروندان وقتی احساس کنند حقوق اولیه‌شان به کالا تبدیل شده و تنها با پرداخت هزینه بیشتر قابل‌دستیابی است، به تدریج نسبت به نیت و کارآمدی سیاست‌گذاران و مسئولان نظام بدبین می‌شوند. این بی‌اعتمادی، خود یکی از مهم‌ترین تهدیدات برای امنیت ملی است؛ یعنی عملاً این سیاست به ضد خود تبدیل می‌شود.

اینترنت پرو، در ظاهر یک راهکار فنی یا اقتصادی به نظر می‌رسد، اما در باطن، حامل پیامی نگران‌کننده است: اینکه محدودیت‌ها نه بر اساس ضرورت‌های واقعی کشور، بلکه بر اساس قابلیت پرداخت هزینه، قابل تنظیمند. چنین پیامی، بنیان استدلال‌های پیشین درباره ضرورت‌های امنیتی را سست می‌کند و این پرسش را به وجود می‌آورد که اصل محدودیت، از ابتدا تا چه اندازه اجتناب‌ناپذیر بوده‌است؟ اصلاً لزومی به ایجاد محدودیت در اینترنت بوده؟ اگر بوده پس اینترنت پرو را کجای دلمان بگذاریم؟

عجیب اینکه وزارت ارتباطات و هیچ‌یک از متولیان موضوع اینترنت و امنیت، مسئولیت این طرح تبعیض‌آمیز را به عهده نگرفته و سکوت پیشه کرده‌اند. طراح و اجراکننده این پروژه، هر کدام از نهادهای نظام اسلامی که باشند حتماً می‌دانند که ایجاد تبعیض میان طبقات مختلف مردم مخالف صریح قانون اساسی کشور و مشی رهبران انقلاب اسلامی است. در نهایت، راه روشن‌تر و صادقانه‌تر، انتخاب یکی از دو مسیر است؛ اگر شرایط کشور همچنان اقتضای محدودیت دارد، این محدودیت باید برای همه به صورت یکسان اعمال شود، چراکه دسترسی به اطلاعات، کالایی لوکس نیست که نسخه ویژه آن به فروش برسد و اگر آن شرایط برطرف شده، شایسته است دسترسی آزاد و برابر به اینترنت برای همه شهروندان بازگردانده شود. هر راه‌حل دیگری، به ویژه راه‌حلی که تبعیض را نهادینه کند، نه‌تنها مسئله را حل نمی‌کند، بلکه بر پیچیدگی و هزینه‌های آن می‌افزاید. امنیت ملی، بیش از آنکه به ابزارهای کنترلی وابسته باشد، به اعتماد عمومی و پشتوانه اجتماعی گره خورده است. هر سیاستی که این اعتماد مردم به نظام را خدشه‌دار کند، ولو با نیت حفاظت اتخاذ شده‌باشد، در نهایت به تضعیف همان امنیتی می‌انجامد که مدعی دفاع از آن است!

یادداشت

مجید ابهری / آسیب‌شناس اجتماعی

موی حلال، موی حرام

پرده نقره‌ای سینما، عرصه‌ای است که در آن راست و دروغ با هم می‌آمیزند، از اتاق تاریک برادران لومیر، تا پرده‌های عریض و طولانی پانوراما و از میادین اعجاب‌انگیز سینما اسکوپ، همواره شاهد رویدادهای تازه‌ای در محور نور و صدا بوده و هستیم. با اینکه رقابت تنگاتنگ تلویزیون و سینما در عرصه سرگرمی، نتوانست ابزارهای نوین پر کردن اوقات فراغت را به صورت منطقی و عقلانی رده‌بندی کند، اما سینما جایگاه خود را حفظ کرده‌است. رقابت ژانرهای مختلف، از کمدی تا درام و دیگر شاخه‌ها، هرگز نتوانست جایگاه و اعتبار سینماها را تهدید کند. جوایز و جشنواره‌های رنگارنگ مثل امی، اسکار و ونیز نیز، هر بار تنور هنر هفتم را گرم‌تر کرده‌اند. درآمدهای نجومی و زندگی‌های لوکس برخی ستاره‌ها، موتور رقابت در سینما را تندتر به گردش درآورده‌است.

در این میان، تقلیدهای ضعیف از فیلم‌ها و سناریوهای خارجی، به ویژه ترک و هندی، با وجود سطحی بودن، به تقویت جذابیت‌های سینما کمک کردند. با این حال، سینمای فاخر و تئاتر اصیل، که گیشه‌ستیزند، در گوشه‌ای مظلومانه به انزوا رفته و حتی موجب تغییر ذائقه تماشاگران شدند. فضای مجازی نیز هدایت افکار و اندیشه‌های دنبال‌کنندگان را بر عهده گرفته و سلیقه تماشاگران، به ویژه نسل Z را به راحتی به سمت علاقه‌هایشان سوق می‌دهد. برخی از دست‌اندرکاران سینما، به ویژه کسانی که دل در گرو ارزش‌های غربی دارند، با افزودن چند صحنه رقص و آواز بالیوودی، رشد مالی گیشه را تضمین می‌کنند. همان‌طور که مرحوم علی‌محمد افشار آل احمد اشاره کرده‌بود، در صورت غفلت هنرمندان اصیل و ریشه‌دار، «نان به نرخ روز خورها» میدان را در دست گرفته و نسل‌ها، به ویژه جوانان، را هدایت خواهند کرد. تولید فیلم‌های گیشه‌پسند، با ترکیبی از چند صحنه هنری دهه ۵۰ و چند لحظه جلف و بزن‌بزن، همراه با حضور بازیگران غیرایرانی که محدودیتی در نمایش ظاهر خود ندارند، مشکلات را حل می‌کند، اما این سؤال جدی مطرح است، اینکه برای نسل‌های آینده در مواجهه با حجاب بانوان چه پاسخی داریم؟ اصلاً آیا مو با مو فرق می‌کند؟ چراموهای برخی خانم‌ها مجاز و برخی دیگر غیرمجاز است؟

سؤالات زیاد است! کارشناسان و مربیان تربیتی چه پاسخی برای نوجوانان ما دارند؟ البته که هنوز دیر نشده، باید صاحب‌نظران، مربیان دینی و فرهنگی، با همکاری اساتید تربیتی و رفتارشناسان، برای آسیب‌های یاد شده چاره‌اندیشی کنند و اجازه ندهند ارزش‌های دینی ما دستخوش تغییرات عمیق شوند.

به عنوان یک رفتارشناس، با ۴۰ سال تجربه پژوهش و تدریس، نگرانی عمیق خود را نسبت به آینده فرزندان انقلاب اسلامی اعلام می‌کنم.